

به نام خداوند جان و خرد

لطایف الطوائف • تالیف: مولانا فخرالدین علی صفی



سرشناسه	فخرالدین صفی، علی بن حسین، ۸۶۸-۹۳۹ق
عنوان قراردادی	لطایف الطوائف، برگزیده
عنوان و نام پدیدآور	شش انگشت ندارم/تالیف فخرالدین علی صفی؛ گردآوری مجید شفعی.
مشخصات نشر	تهران: مهاجر، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	۷۸ص: مصور.
شابک:	۲۵۰۰۰ ریال: ۱-۰۷۲-۲۲۵-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
یادداشت	کتاب حاضر برگزیده‌ای از کتاب لطایف الطوائف اثر علی فخرالدین صفی است.
موضوع	ظنر فارسی - قرن ۱۰ ق.
موضوع	لطیفه‌های فارسی - قرن ۱۰ ق.
شناسه افزوده	شفعی، مجید، ۱۳۵۰-، گردآورنده
شناسه افزوده	فخرالدین صفی، علی بن حسین، ۸۶۸-۹۳۹ق، لطایف الطوائف، برگزیده
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۰: ۶۰۴۶/ل۶۰۱ PIR
رده‌بندی دیوینی	۸ نا ۷/۴:
شماره کتابشناسی ملی	۲۳۰۲۵۴۲۰



شش انگشت ندارم

- انقلاب و باز نویسی، مهیار شفعی
- تصویر سازی، سعید رزاقی
- مدیر فنی، هوشنگ آشتیانی
- مدیریت هنری، دفتر طراحان، شهرخ گرافیک
- طراحی گرافیک و یونیفورم، پلمد مسن، فره‌خانه
- نوبت چاپ، اول، ۱۳۹۰
- تیراژ، ۳۰۰۰ نسخه
- نیتوگرافی، کتابان
- چاپ، اثر: چاپ، نقش لطیف
- شابک، ۱-۰۷۲-۲۲۵-۹۶۴-۹۷۸ قیمت، ۲۵۰۰۰ تومان
- نشانی، تهران - خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - پین بست نیک پور، پلاک ۵
- تلفن، ۰۲۲-۶۶۹۵۲۲۰-۶۶۹۵۳۶-۶۶۹۵۳۴۱۰ شماره، ۶۶۹۵۲۱۹۹
- مرکز نقش، خیابان آفریقا، پین گلشهر و ناهید، خیابان کلقام، پلاک ۱، کتاب کستر
- تلفن، ۰۲۲-۲۳۱۳۰۳ و ۲۲۰۵۱۳۲۶

۳۸	● من آدم‌ها	۳	● مرد سپاهی
۳۹	● از بزرگان چه آید؟	۵	● سرهشمه
۴۰	● غوغا به حالت!	۵	● دو بلا
۴۱	● آدم شش‌ماهه	۶	● دزد
۴۲	● بلای‌بان	۶	● استر بر چشم
۴۳	● ظریفی و بیلی	۸	● تیرهای سقف
۴۵	● وجود شریف شما	۹	● بشکن
۴۶	● منتظرمی‌مانیم	۱۰	● کرون من
۴۷	● سرتراش، سری پتراش!	۱۲	● تیرکواه باش
۴۸	● بریان پن	۱۳	● انصاف
۵۰	● میان دیا و هریر	۱۵	● درویش
۵۰	● سر در باغ انگور	۱۶	● پاه زمزم
۵۲	● دریغ از پول من	۱۷	● کور حقیقی
۵۴	● با هم سافه‌اند	۱۸	● عرق کرده!
۵۴	● عرق کردن	۱۹	● جواب مسئله
۵۵	● روحای بی گناهان	۲۰	● روز درازشبه
۵۶	● درد کتب	۲۱	● کرام سمیت؟
۵۶	● معصیت	۲۲	● خانه بی سقف
۵۷	● یا این یا آن	۲۳	● پوی بد
۵۷	● پیچی بهتر از آب	۲۳	● کدخدایان کنگ
۶۰	● بازگشت به خانه	۲۴	● وقت طعام خوردن
۶۱	● شجاع ترین مردم	۲۵	● امروز چه فوره‌ای؟
۶۱	● ما همه برادریم!	۲۶	● مرا علاج کن
۶۲	● عسل‌یکم!	۲۸	● یاهو کوئی
۶۲	● به کرام طعام؟	۳۰	● طالع بلند
۶۳	● شش انگشت ندارم!	۳۰	● غواچه بغیل
۶۳	● دوستی طعام	۳۱	● بیماری معجب
۶۴	● زمان دیگر	۳۲	● پیراهن یوسف
۶۵	● انصاف بده	۳۳	● شاهر دزد
۶۶	● فردا بیا	۳۴	● دست چپ و راست
		۳۵	● سوراخ سوم
		۳۶	● قضیب ارغوان
		۳۷	● هرم بزرگ
۶۶	● مرا پیراهنی بپوشان		
۶۷	● کودک بی گناه		
۶۸	● بهترین طعام‌ها		
۶۹	● عرق فبین		
۷۰	● تک لکی بر کنگره		
۷۱	● دروازه‌ها را ببندید		
۷۱	● خانه تاریک است		
۷۲	● غوغا		
۷۲	● سه ابله		
۷۵	● بهتر است پیاده بروم		
۷۶	● چه می‌کردم؟		
۷۶	● راست گفتن		
۷۷	● پوستین باژگونه		
۷۷	● شرهای دانه‌دانه		

مرد سپاهی

مرد سپاهی از میدان جنگ می گریخت گفتند: «کجا می روی ای نامرد؟»
گفت: «آن خوش تر دارم^۱ که گویند فلانی بگریخت^۲ لعنت الله^۳ از آنکه گویند
فلانی کشته شد رحمت الله^۴»

۱. بهتر است؛ شایسته است.

۲. فرار کرد.

۳. لعنت بر او باد.

۴. رحمت بر او باد؛ خدا او را رحمت کند

سرچشمه

عُمر بن عبد العزیز از عربی شامی^۱ پرسید: «عاملان^۲ من در دینار شما چه
معامله^۳ می کنند؟»
مرد گفت: «چون آب سرچشمه صاف باشد آب در همه جوی ها صاف^۴
می رود.»

۱. عربی اهل کشور شام (سوریه کنونی)

۲. فرمانداران، حاکمانی که بر مردم گماشته شده اند.

۳. چه کار می کنند؟

۴. منظور گوینده این است که اگر شما صالح باشید فرمانداران شما هم صالح خواهند بود.